



تحلیل جامعه‌شناسانه‌ی خصوصیات جوامع صنعتی

پوهندوی محمد خالد حبیبی^{۱۰}

تقریظ‌دهنده: پوهندوی احمد رسول رسول

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۳ (۳) ۱۳۹۹

چکیده

جامعه‌شناسان به این نظر اند که اگر چه جوامع شکار و گردآور، کشاورز و شبانی هنوز هم در بعضی از نواحی جهان وجود دارد، ولی تنها می‌توان آن‌ها را در مناطق نسبتاً دورافتاده‌ی جهان دریافت، هم‌چنان‌گفته می‌توان که آخرین نمونه‌های باقی مانده‌ی این‌گونه جوامع در حال فروپاشی قرار داشته و جوامع کشاورز نیز به شتاب ماشیزه می‌گردد. پس از جمله اشکال مختلف جوامع انسانی شکل مسلط آن در عصر حاضر همان جوامع صنعتی است که این‌گونه جوامع در نتیجه‌ی انقلاب صنعتی با ظهور ماشین که در قرن هژدهم اختراع گردید، شکل گرفته است. جوامع صنعتی از بسیاری جهات با هر نوع نظام‌های اجتماعی پیشین کلاً تفاوت داشته است. این جوامع بیشتر مبتنی بر تولید صنعتی اند که نقش قابل ملاحظه‌ی به سرمایه‌گذاری آزاد می‌دهند و اکثریت جمعیت آن در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. هم‌چنان اصول معنوی و اخلاقی خود را از اداراک فنی و صنعتی اخذ کرده اند.

اصطلاحات کلیدی: جامعه؛ صنعت؛ انقلاب صنعتی؛ عاید سرانه؛ تولید ناخالص ملی؛ شهروندی؛ شهرنیشینی

Sociological Analysis Of Industrial Society's Characteristics

Asstt. Prof. M. Khalid Habibi

Abstract

Sociologists believe that although hunting, gathering, farming, and herding communities still exist in some parts of the world, they can only be found in relatively remote parts of the world. Such societies are collapsing. Among the various forms of human societies, its dominant form in the present age is the same as industrial societies, which were formed as a result of the industrial revolution with the advent of the machine, which was invented in the eighteenth century. In many ways, industrial societies are completely different from any previous social system. These societies are mostly based on industrial production, which plays a significant role in free investment, and the majority of its population lives in large cities. They have received technical and industrial insights.

Keywords: Society; Industry; Industrial Revolution; Per capita income; GDP; Citizenship; Urbanism.

ارجاع

حبیبی، محمد خالد. (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناسانه‌ی خصوصیات جوامع صنعتی. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۳ (۳)، صص ۱۲۵ - ۱۳۵.

^{۱۰} استاد پوهنخی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل

مقدمه

چنانچه می‌دانیم جامعه‌شناسی از جانب دانشمندان این رشته به عنوان علم مطالعه‌ی علمی زندگی اجتماعی انسان تعریف شده است، پس مطالعه‌ی انواع جوامع انسانی نیز جز مطالعات جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. بناءً، جامعه‌شناسان به مطالعه‌ی انواع جامعه‌های انسانی پرداخته و ویژگی‌ها و خصوصیات هر یک از این جوامع را از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده و تجزیه و تحلیل نموده‌اند. طوری‌که جامعه‌شناسان نیز مانند سایر علمای علوم به رده‌بندی انواع جوامع انسانی پرداخته‌اند و تکنولوژی معیشتی را به عنوان معیار رده‌بندی جوامع انسانی قرار داده است. باتریک نولان و گرهارد لنسکی در کتاب جامعه‌های انسانی از ده نوع جامعه‌ی انسانی به ترتیب ذیل سخن گفته است. جامعه‌های شکارچی و گردآورنده‌ی خوراک، جامعه‌های بوستانکار، جامعه‌های بوستانکار ساده، جامعه‌های بوستانکار پیشرفته، جامعه‌های کشاورز ساده، جامعه‌های کشاورز پیشرفته، جامعه‌های ماهیگیر، جامعه‌های دریایی، جامعه‌های گله‌دار و جامعه‌های صنعتی، ولی باید یاد آور شد که با تحولات و تغییرات که در عصر ما صورت گرفته است، برخی از جامعه‌شناسان از انواع دیگر مانند جوامع فرا صنعتی، جوامع شبکه‌یی و یا هم جوامع اطلاعاتی نیز سخن گفته‌اند.

از آن‌جا که صنعتی شدن جوامع محصول تحولات قرون جدید بوده و مسائل ناشی از توسعه‌ی صنایع از بدو انقلاب صنعتی زندگی نوع بشر را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار داده است، جریان یاد شده همواره تأثیرات خود را بر مشاغل، روابط اجتماعی، آموزش و پرورش، صحت، محیط زیست، سیاست، خانواده، فرهنگ عمومی و... بر جای گذاشته است؛ یعنی فرایندی که افراد عادی جامعه کم‌تر نسبت به آن آگاهی و وقوف دارند. بنابراین، در مقاله‌ی حاضر کوشش به عمل آمده است تا برخی از خصوصیات و ویژگی‌های جوامع صنعتی را بیان نماید.

از جانب دیگر با توجه به میزان رشد صنعتی کشور ما، به این واقعیت پی می‌بریم که کشور ما به اثر مشکلات ناشی از پرابلم‌های سیاسی چند دهه‌ی اخیر از رشد صنعت عقب مانده است؛ یعنی توسعه‌ی صنعتی متناسب با رشد منابع انسانی همگام نبوده است، خلاء ناشی از آن، خود مسائل و چالش‌های عدیده‌ی اجتماعی را به دنبال آورده است، به همین منظور، با غور در خصوصیات جوامع صنعتی به بسیاری از مبانی و حقایقی می‌توان پی برد که به عنوان رهنمودی مؤثر در فرایند توسعه‌ی کشور برای آینده می‌تواند عمل نمود.

مقاله‌ی حاضر یک تحقیق کتاب‌خانه‌یی بوده بناءً، در این مقاله از روش تحقیق کیفی استفاده به عمل آمده است. دلیل اصلی استفاده از روش تحقیق کیفی در این مقاله این است که درک مشکل تحقیق را گسترده‌تر و عمیق‌تر فراهم می‌کند. تحقیق کیفی گرایش دارد تا ایده‌ها را به عنوان روش اصلی تجزیه و تحلیل به کار بندد و چگونگی ارتباط بین آن‌ها را واضح سازد. هم‌چنان در تحریر این مقاله کوشش به عمل آمده است تا از منابع معتبر و دست اول موجود به منظور تجزیه و تحلیل موضوع استفاده صورت گیرد.

پیشینه‌ی تحقیق

به‌طور مشخص در رابطه با موضوع مطرح شده در مقاله‌ی حاضر در گذشته تحقیق صورت نگرفته است ولی با آن‌هم می‌توان در آثار و منابع خارجی در باره‌ی موضوع فوق مطالب زیادی تحریر یافته است و بخش‌هایی را در مورد مفاهیمی چون صنعتی شدن و یا هم جوامع صنعتی دریافت نمود. طوری که در کتب تحت عنوان جامعه‌های انسانی نوشته‌ی پاتریک نولان در مورد جوامع صنعتی بحث مفصل صورت گرفته است، هم‌چنان در اثر معتبر جامعه‌شناسی اتوننی گیدنز در باب انواع جوامع سخن گفته شده است که یک قسمت آن به جوامع صنعتی اختصاص یافته است. هم‌چنان دوکتور رحمت الله صدیق سروستانی نیز اثری را تحت عنوان جامعه‌شناسی صنعتی تحریر نموده است که در این اثر جوانب مختلف جوامع صنعتی به تحلیل و تفسیر گرفته است. به همین ترتیب در آثار مختلف جامعه‌شناسی می‌توان بخش‌هایی را در رابطه به جوامع صنعتی مشاهده نمود که هر یک کوشش نموده است تا این‌گونه جوامع را از دیدگاه‌های مختلف مورد تحلیل قرار دهد. ولی در این مقاله به‌طور مشخص کوشش به عمل آمده است تا خصوصیات که مختص به جوامع صنعتی است و این‌گونه جامعه را از سایر جوامع تفکیک می‌کند، به بحث و تحلیل گرفته شود.

تعریف جوامع صنعتی

جامعه‌شناسی صنعتی رابطه بین صنعت و سایر نهادهای اجتماعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد، یعنی نهادهایی از نوع اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش، سیاست، دین و نظایر آن. بنابراین، از دید جامعه‌شناسی صنعتی، تغییرات بیشتر اجتماعی، فرهنگی و انسانی را به دنبال گسترش جریان صنعتی شدن در قرون اخیر می‌توان در این‌گونه جوامع دریافت. جوامع صنعتی دارای مشخصات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاص خود می‌باشند؛ یعنی مجموعه مشخصاتی که عموماً و عمدتاً زاینده‌ی صنعت و صنعتی شدن آن‌هاست و جوامع صنعتی عمدتاً به لحاظ اقتصادی پویا و متحول هستند. همین‌طور، به لحاظ اجتماعی، تا حد زیادی باز و تغییرپذیرند. به لحاظ فرهنگی نیز، جوامع

یادشده تحولات زیادی را پشت سر گذاشته اند و به طور کلی، مجموعه ارزش‌ها و ذخایر فرهنگی در این جوامع به دنبال پلورالیسم یا تکثر فرهنگی همواره در حال تغییر و شکل‌پذیری جدید هستند. به عبارت دیگر، از ارزش‌های نوین فرهنگی به خوبی در این جوامع استقبال می‌گردد. همین‌طور به لحاظ مشخصات سیاسی نیز نوع نظام‌های دموکراسی زاینده‌ی جوامع صنعتی است؛ به این مفهوم که دموکراسی‌های بزرگ و با محتوای عمدتاً متناسب به این قبیل جوامع است.

جامعه‌شناسان به جوامع صنعتی و خصوصیات آن توجه نموده و در رابطه به آن نظریاتی ارائه نموده اند که به طور مثال به چند تن از آن‌ها می‌پردازیم.

هنری سن سیمون در واقع نخستین اندیشمندی است که در رابطه به جوامع صنعتی بحث نموده است. «در واقع سن سیمون معیار و محکی تازه‌ی برای قشربندی‌ها و امتیازات اجتماعی وضع کرده بود. گفتار سن سیمون در عین حال که صنعت و ترقی مترتب بر آن را محور قرار می‌داد، هم‌چنان برخوردار از مایه‌هایی معنوی و روحانی بود» (سروستانی، ۱۳۹۰، ص ۹۳). بنابراین، دیده می‌شود که سن سیمون به این باور است که جامعه باید از سوی کسانی هدایت گردد که اصول معنوی و اخلاقی خود را از اداراک فنی و صنعتی اخذ کرده اند. آگوست کنت نیز در طرح قوانین سه‌مرحله‌ی خود مرحله‌ی سوم یعنی مرحله‌ی اثباتی را به مدیران صنعتی متعلق می‌دانست. به این نظر بود که مدیران صنعتی می‌توانند با دانش علمی و تجربی خود به نظم‌بخشیدن به نظام اجتماعی تأثیرگذار باشند.

هربرت اسپنسر: «در طبقه‌بندی جوامع به جامعه‌ی جنگ‌جو و جامعه‌ی صنعتی، جامعه‌ی صنعتی را مسبب اصلی ایجاد تغییر، همکاری و خویش‌تن‌داری و نیز توزیع قدرت در میان طبقات و اقشار اجتماعی دانسته و جوامع صنعتی را جامعه‌ی انعطاف‌پذیر با توانمندی بالا برای سازگاری با شرایط متنوع می‌دانست» (رحیم، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

ماکس وبر باور داشت که در جامعه‌ی صنعتی اقتصاد عقلانی حاکم می‌شود که در آن سرمایه‌گذاری بلندمدت، محاسبات مدیریتی، اشکال تجاری و حقوقی جدید و مبادلات اعتباری نوین شکل می‌گیرند.

«از نگاه تاریخ جوامع صنعتی در حقیقت جوامع اند که در پی تحولات ناشی از انقلاب صنعتی شکل گرفته است. انقلاب صنعتی در واقع به مجموعه‌ی نوآوری‌های فنی و اقتصادی گفته می‌شود که بین سال‌های (۱۷۶۰ - ۱۸۳۰م) در انگلستان به میان آمد» (بکر، ۱۳۸۰، ص ۴۹۰).

گرچه تعیین تاریخ‌های دقیق برای آغاز و انجام انقلاب صنعتی مقدور نیست زیرا دانشمندان نظریاتی متفاوت در این باره دارند، ولی گفته می‌شود که این انقلاب چهار مرحله را در بر داشت:

«مرحله‌ی اول، که در انگلستان از میانه‌ی قرن هجدهم آغاز شد، انقلاب بر صنایع نساجی، ذوب آهن و ذغال سنگ متمرکز بود و اختراع نخستین ماشین بخار احتمالاً مهم‌ترین نوآوری دوران بوده است. دومین مرحله از اواسط قرن نوزدهم آغاز می‌گردد و در اصل ارتباط می‌یابد به رشد سریع صنعت خط آهن، تولید انبوه فولاد، جانشینی کشتی‌های بادبانی به وسیله‌ی کشتی‌های بخاری و کاربرد تکنولوژی جدید در زراعت.

مرحله‌ی سوم از اوایل قرن بیستم آغاز شد که با رشد سریع صنعت موتورسازی، برق، تلفن و نفت مشخص می‌گردد. مرحله‌ی چهارم در زمان جنگ جهانی دوم آغاز گردید که وجه تمایز آن توسعه‌ی چشم‌گیری است که در صنایع طیاره‌سازی المونیم، نیروی هسته‌یی، کامپیوتر و به طور مشخص تکنالوژی مدرن» (نولان، ۱۳۸۰، ص ۳۳۴).

تأثیرات انقلاب صنعتی بر نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی صنعتی قرار ذیل است:

۱. استقرار حکومت‌های پارلمانی؛
۲. استفاده از نیروی ماشین به جای نیروی انسانی؛
۳. اقتصاد بسیاری از جوامع را به اقتصاد صنعتی تبدیل کرد؛
۴. خودبستگی فرد و خانواده را از لحاظ تولید محصول از میان برد؛
۵. کار در کارخانه‌ها را جانشین تولید خانگی کرد؛
۶. تقسیم کار را پیچیده‌تر کرد؛
۷. کارکردها و شکل خانواده را دگرگون کرد و خانواده موقعیت یگانه‌ی خود را در مقام منبع قدرت و اقتدار از دست داد؛
۸. روند شهرنشینی را افزایش داد؛
۹. مفهوم ملت‌گرایی را تشدید کرد؛
۱۰. نیاز به تخصص را افزایش داد؛
۱۱. نیاز به افزایش دانش تخصصی جدا از خانواده؛
۱۲. در جمعیت و حرکات جمعیت تأثیر گذاشت (مرگ و میر و مهاجرت) و
۱۳. باعث پیدایی نهادها و سازمان‌های صنعتی شد.

چگونگی تشخیص جامعه‌ی صنعتی

یکی از نشانه‌های عمده‌ی جامعه‌ی صنعتی رشد اقتصادی در این جوامع است و منظور از آن اساساً رشد در تولید ناخالص ملی و افزایش عاید سرانه می‌باشد.

تولید ناخالص ملی عبارت است از «مجموع ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک اقتصاد در یک سال، شامل درآمدهای حاصله از ثروت‌های خارجی» (هاسه، ۱۳۸۶، ص ۴۶۹). بنابراین تعریف، جوامع صنعتی و غیر صنعتی به لحاظ تولید ناخالص ملی و برحسب توانایی‌های خود، در وضعیت‌های مختلف قرار می‌گیرند.

در تحلیل و بحث از رشد اقتصادی، تفاوتی بین دیدگاه‌ها و تعاریف وجود دارد. عده‌ای بیشتر تأکید بر سطوح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دارند، نظیر مدل "هارود دومار" و عده‌ای فراتر رفته و در قالبی جامعه‌شناختی به تحلیل رشد اقتصادی می‌پردازند. آن‌ها عوامل اجتماعی و اقتصادی رشد را مطرح می‌نمایند، نظیر "شومپتر" و "روستو"، این نکته نیز قابل ذکر است که امروزه در تحلیل عوامل رشد اقتصادی در جوامع صنعتی و حتی در جوامع فراصنعتی، جامعه‌شناسان عوامل و شاخص‌های اجتماعی را بسیار دخیل می‌دانند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که بر اساس توسعه‌ی اجتماعی است که رشد اقتصادی تداوم و پایداری خود را پیدا می‌کند.

خصوصیات جوامع صنعتی

جامعه‌شناسان زمانی که به مطالعه‌ی خصوصیات جوامع صنعتی پرداخته‌اند واضح ساخته‌اند که مشخصات این گونه جوامع می‌تواند از جهات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بررسی و تجزیه و تحلیل گردد که در این قسمت از مقاله به عمده‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

۱. به باور جامعه‌شناسان «مهم‌ترین ویژگی که جوامع صنعتی را متمایز می‌سازد، این است که اکثریت جمعیت شاغل، در کارخانه‌ها و ادارات کار می‌کنند نه در کشاورزی» (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۷۶). پس در چنین جوامع بخش کم‌تری از نیروی انسانی در امور کشاورزی و به طور کلی اقتصاد کشاورزی فعال است. این در حالی است که جوامع سنتی، حتی در پیشرفته‌ترین آن‌ها، افراد به راحتی نمی‌توانند از امور و فعالیت‌های کشاورزی جداگردند؛ نظیر آن‌چه در هند و چین مشاهده می‌شود. قابل ذکر است که این جوامع نیز حتی علیرغم حجم عظیم جمعیت و نیروی انسانی خود، در دهه‌های آتی سهم بیشتری از جمعیت خود را در بخش‌های غیر کشاورزی خواهند داشت. صنعتی شدن و گسترش فن‌آوری‌های جدید چنین شرایطی را ایجاد می‌نماید.

۲. شهرنیشینی نیز از جمله خصوصیات عمده‌ی جوامع صنعتی دانسته می‌شود، طوری که جوامع صنعتی در مقایسه با سایر جوامع و نظام‌های سنتی بیشتر شهرنشین هستند. در بسیاری جوامع صنعتی بیش از نود درصد از مردم در نقاط شهری کوچک و بزرگ زندگی می‌کنند؛ یعنی نقاط که فرصت‌های فراوان کاری به سهولت قابل دست‌یابی است و همواره فرصت‌های بیشتری نیز ایجاد می‌گردد.

از این رو، در شرایط جامعه‌ی صنعتی، روش زندگی شهروندان همواره در حال تغییر و شکل‌گیری مجدد است. در چنین شرایطی، چرخه‌ی اقتصادی در ابعاد مختلف آن حرکت بهتری به خود می‌گیرد، نظام تولید، توضیح و مصرف تقویت می‌گردد و مجموعاً ساختاری اجتماعی-فرهنگی تحت چنین شرایطی بسیار پویا و تحول‌پذیر می‌گردد.

۳. «ویژگی دیگر جوامع صنعتی مربوط به نظام‌های سیاسی آن‌هاست؛ یعنی این که نظام‌های سیاسی جدید، توسعه‌یافته‌تر و پیچیده‌تر از دولت‌ها و نظام‌های گذشته هستند. در تمدن‌های اولیه، قدرت‌های سیاسی (پادشاه و امپراتور) تأثیر مستقیم کمی بر آداب و سنن مردم خود داشت و آن‌ها به صورت خودکفا در رو ستاهای محلی زندگی می‌کردند، در حالی که با صنعتی شدن، گسترش ارتباطات، حمل و نقل و... یک نوع یک‌پارچگی در جوامع ایجاد گردید و به دنبال آن دولت شهرهای جدید به مرزهای نامحدود خودمؤلد، فرهنگ‌ساز، مبتکر و... گردیده اند که قوانین و هنجارهای آن‌ها کاربردهای بیرون مرزی نیز دارند» (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۱۹). از این رو، تا جایی که به ساختار سیاسی جوامع مربوط می‌گردد، توسعه‌ی ارتباطات، ساختار سیاسی جوامع را وسیعاً تحت تأثیر قرار داده است. دموکراسی‌های جدید بهترین مصداق و نشانه‌ی ادعای فوق می‌باشند.

۴. میزان و مقدار محصولات صنعتی به عنوان سهم عمده‌ی تولید ناخالص ملی: این بدان مفهوم است که محصولات صنعتی خود سهم و نقش عمده‌ای در افزایش تولید ناخالص ملی به عنوان یک شاخص اقتصادی که نشان‌دهنده‌ی توسعه‌یافتگی جوامع است، به عهده دارد.

۵. میزان سرمایه‌گذاری در بخش صنایع خود‌انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش‌های مختلف صنعتی اعم از صنایع سبک و سنگین را فراهم می‌آورد.

۶. میزان باسوادی، «نسبت باسوادی در جوامع صنعتی امروزه تقریباً صد فیصد برآورد گردیده است. علاوه بر آن، آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای در حد وسیعی در این جوامع به چشم می‌خورد»

(توسلی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۳). با توجه به این ویژگی دیده می‌شود که یکی از عمده‌ترین زیربنای توسعه‌ی صنعتی در کشورهای صنعتی همانا گسترش سواد و آموزش در این جوامع بوده است.

۷. درصد ثبت‌نام‌شدگان در مدارس در گروه‌های سنی مربوطه: نسبت ثبت‌نام‌شدگان در جوامع صنعتی تا سال‌هایی که تحصیلات اجباری است، می‌بایست ادامه یابد و تقریباً با تغییرات ناچیزی تداوم می‌یابد. به عبارت دیگر، درصد افراد لازم‌التعلیم شاغل به تحصیل در حد کامل آن است (ثبت شده در مکاتب)، در حالی که در کشورهای غیر صنعتی نسبت ثبت‌نام‌شدگان در صنوف و مراتب تحصیلی بالاتر، عموماً با افت مواجه بوده و نسبت به جمعیت واجب‌التعلیم روند نزولی دارد.

۸. میزان مرگ و میر اطفال: یکی دیگر از شاخص‌های رشد اقتصادی در جوامع صنعتی پایین بودن میزان مرگ و میر اطفال است. در حالی که شاخص یادشده در بسیاری از کشورهای غیرصنعتی حدود ۸۰ در هزار برآورد گردیده است، در کشورهای صنعتی نظیر جاپان شاخص مرگ و میر اطفال را کم‌تر از ۴ در هزار تخمین می‌زنند.

۹. سرانه‌ی کالری مصرفی در روز: یکی دیگر از نشانه‌های بارز کشورهای صنعتی بالا بودن میزان استفاده‌ی کالری مواد غذایی مورد نیاز است؛ یعنی بیش از ۲۵۰۰ کالری مصرف مواد غذایی در شبانه‌روز، در حالی که در کشور غیر صنعتی میزان استفاده‌ی کالری به مراتب کم‌تر است.

۱۰. تعداد وسایل نقلیه در جریان و کیفیت آن: این ویژگی نشان‌دهنده‌ی اجراء و انجام کارهای روزمره به وقت و زمان معین آن است. در کشورهای صنعتی از کیفیت بالای برخوردار می‌باشد، در حالی که در کشورهای کم‌تر صنعتی شده مردم از این نگاه با مشکلات زیادی روبرو هستند.

۱۱. مصرف آهن، استیل، سمنت و نظایر آن‌ها جهت مصارف ساختمانی: این ویژگی که نشان‌دهنده‌ی استحکامات شهری می‌باشد. در کشورهای صنعتی در ساختمان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که در کشورهای کم‌تر صنعتی شده در ساختمان‌های بیشتر از مواد محلی استفاده می‌شود که استحکام چندان ندارد.

۱۲. توزیع درآمد و نظایر آن: شاخص‌های یادشده در جوامع و کشورهای صنعتی رشد اقتصادی را به اشکال مختلف تسریع می‌نماید. به همین خاطر، بخش‌های مختلف سازمان ملل متحد، نظیر سازمان صحتی جهان، یونسکو و امثال آن‌ها نیز سالانه آمارهای جدیدی را از کشورها برآورد و ارائه می‌دهند تا چگونگی تغییرات در زمینه‌های یادشده را اعلام نمایند.

۱۳. ویژگی دیگر جوامع صنعتی مربوط به ساختار خانوادگی این جوامع است. «در جوامع جدید صنعتی خانواده هسته‌یی غلبه دارد. نظام و وسیع خویشاوندی که در آن فرد به یک گروه خانوادگی مشترک تعلق دارد، اهمیت خود را از دست داده است. در این جوامع خویشاوندان دور به ندرت با هم ارتباط دارند» (کوئن، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶). پس دیده می‌شود که در جوامع صنعتی خانواده‌ی گسترده که اغلب از نوع خانواده‌های جوامع سنتی اند، دیگر جایگاه کم‌تر دارد.

جوامع فراصنعتی و فرامدرن

چنانچه نظر غالب این است که اکثریت جوامع امروز در جهان از نوع جوامع صنعتی اند طوری که قبلاً نیز مطرح کردیم ولی بعد از نیمه‌ی دوم قرن بیستم دانش‌مندان از ظهور انواع جدید از جامعه‌های انسانی سخن گفته‌اند که به جوامع فراصنعتی و جوامع فرامدرن مسمی گردیده است. برای اولین بار یکی از جامعه‌شناسان آمریکایی به نام دانیل بل در سال ۱۹۷۳ از خصوصیات جامعه‌ی فراصنعتی یاد کرده و بیان داشت که این نوع جامعه درگیر فرآوری و کنترل اطلاعات است. «چنین جامعه‌ای عموماً به پردازش اطلاعات پرداخته و طی آن و با تجزیه و تحلیل اطلاعات مختلف، به اطلاعات و ایده‌های جدیدتری دست می‌یابد؛ یعنی آنچه خود پیش‌نیاز جامعه‌ی فراصنعتی است» (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۳۹). پس در این نوع جامعه بیشترین جمعیت آن به عرضه‌ی خدمات پرداخته تا تولید، مشاغلی از نوع آموزش و تولید و یا اشاعه‌ی ایده‌های جدید از مصروفیت‌های اصلی آن می‌باشد. ناگفته نباید گذاشت که در این نوع جوامع کدهای شغلی و زمینه‌های تخصصی وجود دارد که در جوامع صنعتی معمولی کم‌تر به چشم می‌خورد؛ نظیر بخش‌های تخصصی اطلاع‌رسانی و فرآوری اطلاعات.

از دیدگاه کارکردی (فونکسیونالیستی) نیز دانیل بل تحول از جامعه‌ی صنعتی به فراصنعتی را یک پیشرفت مثبت قلمداد می‌نماید و متعاقب آن از افت و تنزل گروه‌های کارگری نام می‌برد و در مقابل به ذکر ارتقای گروه‌های علاقمند به مسائل ملی چون صحت، آموزش و پرورش، محیط زیست و... می‌پردازد. چنین وضعیتی امروزه درحدی وسیع در کشورهای فوق صنعتی به چشم می‌خورد؛ یعنی خلاقیت، پویایی، ابتکارات جدید در مقابل صرف کارهای عادی، تولیدات سنتی و آنچه که بیشتر کاربرد است. هم‌چنان در سال‌های اخیر جامعه‌شناسان از جوامع فرامدرن نیز سخن گفته‌اند که خصوصیات مختص به خود را دارد.

مناقشه

در مورد جوامع صنعتی و خصوصیات آن جامعه‌شناسان دیدگاه‌های مختلف را مطرح کرده اند که این دیدگاه‌ها از بدو شکل‌گیری جوامع صنعتی تا کنون در گفت‌وگو و مناقشه با یک دیگر قرار داشته اند، به طور نمونه اکثریت از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان صنعتی شدن و اقتصاد مبتنی بر صنعت را اساسی‌ترین خصوصیت جوامع صنعتی تلقی می‌کنند اما شماری از جامعه‌شناسان از جمله ماکس وبر عقلانیت از جمله عقلانیت ابزاری و بروکراسی مدرن را خصوصیات بنیادین جوامع صنعتی می‌داند در حالی که جامعه‌شناسانی که به اصالت تکنیک باور دارند، تکنالوژی را زیر ساخت اساسی جوامع صنعتی محسوب می‌کنند. در عین حال وقتی در آراء و نظریه‌های جامعه‌شناسان سیاسی با دقت نظر اندازیم متوجه می‌شویم که از دید اکثر این جامعه‌شناسان دموکراسی و دولت‌های با ثبات و حامی جامعه‌ی مدنی و مشارکت سیاسی و نیز جامعه‌ی متکثر سیاسی را خصوصیات اساسی جوامع صنعتی می‌دانند. به این ترتیب می‌بینیم که در مورد جوامع صنعتی از یک طرف دیدگاه‌های متفاوت مطرح بوده و از جانب دیگر بین این دیدگاه‌ها همواره نوع مناقشه، جدال عقلی و نقد و نظر وجود داشته است.

نتیجه‌گیری

در نتیجه باید گفت که جامعه‌شناسان جوامع انسانی را از بدو تشکیل آن تا امروز به انواع مختلف تقسیم نموده اند که به باور جامعه‌شناسان جوامع انسانی به انواع متفاوت تقسیم شده است که جوامع صنعتی یکی از این انواع بوده و این جوامع بعد از انقلاب صنعتی و پیشرفت مستمر تکنالوژی به وجود آمده است. در تشخیص جوامع صنعتی نیز جامعه‌شناسان نظریات گوناگون را مطرح نموده اند که از جمله می‌توان بالا بودن میزان عاید سرانه را در این جوامع نام برد ولی عده‌ی دیگر از جامعه‌شناسان برای تشخیص جوامع صنعتی معیارهای دیگری را نیز به کار برده اند که بیشتر جنبه اجتماعی-سیاسی داشته است.

جوامع صنعتی دارای خصوصیات و ویژگی‌های زیادی بوده که از جمله می‌توان از صنعتی بودن، شاغل بودن تعدادی زیادی از جمعیت در بخش‌های صنعتی و اداری، توسعه‌یافتگی نظام‌های سیاسی و دولت‌های کارآمد، پاسخ‌گو، دموکراتیک، سطح بلند باسوادی و میزان بالای ثبت‌نام‌شونده در مکاتب، به همین گونه اشکال متفاوت از خانواده که از جامعه‌ی سنتی متفاوت می‌باشند و نیز نهادهای مدنی قدرت‌مند و ثبات سیاسی از جمله عمده‌ترین خصوصیات جوامع صنعتی اند.

منابع

- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش، چاپ دوم، تهران: انتشارات علم.
- ذبیح الله، رحیم. (۱۳۹۶). مبادی جامعه‌شناسی. کابل: انتشارات الهدی.
- سروستانی، رحمت الله. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی صنعتی. تهران: انتشارات سمت.
- شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی صنعتی. تهران: انتشارات حریر.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۵). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: انتشارات سمت.
- کارل، بکر. (۱۳۸۰). سرگذشت تمدن. ترجمه علی محمد زهما، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیدنز، انتونی. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
- نولان، پاتریک. (۱۳۸۰). جامعه‌های انسانی. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات نی.
- هاسه، رولف. (۱۳۸۶). فرهنگ اقتصاد بازار با اصول اجتماعی. ترجمه‌ی حمید الله نور عباد. کابل: انتشارات بنیاد کنراد ادناور.